

## "هجوم کلمات خزنده" و لغات بیگانه در زبان ؟

اعلامیه دفتر ریاست جمهوری را وطنداران مطالعه نمودند و در شورای وزیران فیصله بعمل آمد که در رسانه های نشراتی اعم از اخبار رادیو و تلویزیون از لهجه های بیگانه و استعمال کلمات نامانوس و غیر معیاری جداً جلوگیری بعمل آید ، این اعلامیه شورای وزیران مبهم است و درست توضیح نشده که کدام لهجه در کدام زبان بیگانه است . این لهجه بیگانه صرف در زبان پشتو ویا زبان فارسی است ویا مرام این اعلامیه هر دو زبان فارسی و پشتو را احتوا میکند و در این مورد بانیستی به صراحت از هجوم لهجه بیگانه توضیحات داده میشد .

در زبان پشتو ما لهجه کندهاری داریم (که شیرین ترین لهجه زبان پشتو است). لهجه مشرقی ننگرهار و لهجه جنوبی کشور که در مناطق پکتیا و پکتیکاه صحبت میشود و بالاخره لهجه پشاور است که کلمات نامانوس اردو و انگلیسی به آن داخل شده است ، مانمی دانیم که لهجه پشاور را شورای وزیران لهجه بیگانه میگویند یا خیر ؟ و اگر لهجه پشاور تحت کتگوری لهجه بیگانه شمرده میشود پس این شش ملیون افغان های که در پاکستان از عرصه بیست و چند سال به مهاجرت زندگی و اطفال این مهاجرین در خاک پاکستان بزرگ و به لهجه پشاور صحبت میکنند چطور از صحبت شان به لهجه پشاور جلوگیری بعمل خواهد آمد ؟.

و اگر هدف از لهجه بیگانه در زبان فارسی باشد تقریباً دو صد ملیون به لهجه های مختلف فارسی دری ، تاجکی ، فارسی فرغانه ائی ، فارسی ایرانی و فارسی آذربایجانی صحبت میکنند و کدام یک از این لهجه ها را لهجه بیگانه میگویند که از گویش آن در افغانستان جلوگیری شود و باید دفتر ریاست جمهوری افغانستان آنرا توضیحات بدهد .

در مورد اینکه اصطلاحات و کلمات فارسی را که از کتب ، نشرات و موسسات فرهنگی ایران اخذ و در نشرات فارسی دری گنجانیده شده یک تعداد از افغان های ما بصورت قهر آمیز لغات و کلمات ایرانی را بنام "هجوم خزنده لغات" در فارسی دری تذکر داده و آنرا یک نوع امپریالسم فرهنگی (به زعم خودشان ) میدانند. در این مورد بانیست تذکر داد که :

هر کشور همسایه که از نگاه فرهنگی ، سیاسی و اقتصادی نسبت به کشور دیگر پیشرفته باشد خواه مخواه تحت تاثیر کلتور، زبان و رسم و رواج کشورهای همسایه قوی قرار میگیرد ، افغانستان مدت سی سال است که با روسیه شوروی و بعد جنگ های داخلی و بالاخره هجوم پاکستان تحت پوشش طالبان کشور

مارا بلعیده بود و همه زیربنای اقتصادی و اجتماعی ما از بین رفت و حال کشور ما مانند طفلی است که تازه تولد و شیوه راه رفتن آموخته و زیاده از بیست سال است که شش ملیون افغان در پاکستان و چهار ملیون دیگر به ایران بشکل مهاجر زندگی و اکثر جوانان ما در این دو کشور تولد شده اند زبان کلتور و طرز روش شان یا پاکستانی است و یا ایرانی و هر روند اجتماعی ما را مهاجرین برگشته بوطن با پاکستان و ایران مقایسه میکنند و اقتصادی ما تحت کنترل پاکستان و ایران است و حتی سیستم معماری پاکستان در ساختمان تعمیرات رهائشی ما نفوذ نموده , ساحه وزیر اکبر خان زمانی دارای منازل با نقشه های مدرن تعمیراتی بود ولی امروز تعمیرات به سیستم پاکستانی که دارای کتاره های رنگ سبز و سرخ بدور تعمیر بناه شده و تعمیرات بشکل یک بام بتی بالای بام بتی دیگر آباد که به کراحت منظر دروزیر اکبر خان افزوده است و ما مشاهده میکنیم که نتنها تغییرات در زبان فارسی بل در فرهنگ, کلتور, آداب معاشرت و حتی صنعت معماری ما نفوذ نموده است .

در زبان فارسی به هر لهجه ائی که صحبت میشود از نگاه ساختمان گرامر , صرف و نحو , دستور و قواعد زبان تفاوتی وجود ندارد و نظر به احساس ناسیونالیستی که کشورهای هم زبان و بخصوص همسایه دیگر تفاوت های کوچک کلتوری مانند عرف , عادات , اقتصاد و حتی مذهب میخواهند از ملیت های دیگر متفاوت باشند و احساس ناسیونالیستی و حسادت کلتوری در کشورهای عقب مانده به مراتب قوی تر است نسبت به کشورهای اروپا.

هجوم به اصطلاح خزند و یا آشکار لغات بیگانه در زبان ها در پسینه سالها وجود داشته و در اثر تهاجم عرب ها در آسیای میانه در زبان فارسی تغییرات فاحش آمد که ما تا امروز قادر نشدیم که کلمات عربی را با کلمات فارسی تعویض کنیم , زبان فارسی که قبل از تهاجم اعراب در سر زمین فارسی زبانان کشورهای آسیای میانه صحبت میشد بکلی متفاوت از فارسی امروز است گرچه ایرانی ها سعی دارند که به قول خودشان فارسی را سچه ساخته و کلمات عربی را از زبان فارسی بردارند و یک دلیل عمده رقابت های سیاسی و اقتصادی در کشورهای خلیج فارس و تفاوت های نژادی و نظریات با طنی است که بین عرب و عجم فارسی وجود دارد .

در شرایط امروز وسایل ارتباط جمعی , اطلاعات الکترونیکی مانند انترنت, پروگرام های تلویزیون آنقدر سریع توسعه یافته و نشرات مطبوعاتی و تلویزیونی از ساحه ملی به نشرات بین المللی تبدیل و برای وسعت ساحه شنوندگان و بینندگان خویش به رقابت برخواسته اند و سعی دارند که پروگرام های جالب , اخبار و روش های کلتوری , سیاسی و فرهنگی خویش را در خارج از سرحدات کشور توسط ماهواره های اطلاعاتی به هر کشوری که خواسته باشند میفرستند و این انقلاب الکترونیکی و اطلاعاتی دیگر مفهوم سرحد ملت و مملکت را بتدریج از بین برده و خواهند برد و کشورهای دنیا از ساحه بین المللی یک قدم دیگر فراتر گذاشته و روابط شان بین العرضی شده و خود بخود در زبان ها یک ارتباط بین البینی خلق و همه از این پیشرفت اطلاعاتی , فرهنگی و آزادی اندیشه به معنی واقعی آن بخصوص کشورهای عقب مانده مانند افغانستان مستفید میشوند.